فصلنامه علمی _ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره بیست و سوم، تابستان۱۳۹۷- صفحات ۶۴ - ۴۵

شناسایی چارچوب عملیاتی بانک عدالت محور با استفاده از رویکرد اسلامی

وهاب قلیچ[۱]

تاریخ دریافت:۱۳۹۶/۰۹/۰۷ تاریخ پذیرش:۱۳۹۷/۰۲/۰۴

چکیده

رعایت موازین عدالت‌مداری همانند رعایت اخلاق و پرهیز از ربا از شاخصه‌های مهم یک بانک اسلامی است که کمتر بدان توجه شده است. با توجه به ماده اول قانون عملیات بانکی بدون ربا که استقرار نظام پولی و اعتباری برمبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) را هدف‌گذاری کرده است این تحقیق سعی دارد تا با شناسایی پایه‌ای‌ترین قواعد عدالت اقتصادی، چارچوب عملیاتی یک بانک عدالت‌محور را با یک رویکرد اسلامی پیشنهاد دهد.

نتایج این تحقیق که مستند به منابع اسلامی است نشان می‌دهد که مفهوم عدالت با رعایت کامل حق و حقوق افراد گره خورده است و از این‌رو سه قاعده رعایت حقوق عام، رعایت استحقاق افراد و توجه به نیاز و احتیاج اقشار ضعیف و ناتوان جهت استخراج چارچوب عملیاتی یک بانک عدالت‌مدار قابل تبیین است. مصداق‌یابی این قواعد در رفتار با کارکنان بانکی، مشتریان بانکی، سهامداران بانکی و آحاد افراد جامعه بخش دیگری از نتایج تحقیق را شکل داده است.

کلمات‌کلیدی: عدالت، بانکداری، حقوق، پول

طبقه‌بندی JEL: G21, D23, D63

۱. استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا. vahabghelich@gmail.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-09]

مقدمه

از سال۱۳۶۲ با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا و تمرکز بر حذف معاملات ربوی از نظام بانکی کشور، مقوله بانکداری بدون ربا وارد مرحله اجرایی در نظام اقتصادی ایران شده است. گرچه حذف ربا از قوانین و عملیات نظام بانکی تجربه کامل و ایده‌الی به ارمغان نداشته است اما لازم به یادآوری است که بانکداری بدون ربا تنها بخشی از بانکدرای اسلامی به معنای جامع آن است. به بیان دیگر بانکداری اسلامی ایده‌ای کلی‌تر و جامع‌تر از بانکداری بدون ربا است که کمتر بدان توجه می‌شود.

شهید صدر(ره)، در طرح پیشنهادی خود برای بانک اسلامی سه شرط را طرح می‌نمایند؛ اولاً آن‌که این بانکداری با شریعت اسلام در هماهنگی کامل باشد؛ ثانیاً آن‌که توفیق در همه شرایط اجتماعی و در تمامی جوامع انسانی داشته باشد و ثالثاً آن‌که نقش اقتصادی خود را به عنوان یک موسسه تجاری سودآور به درستی ایفا نماید (صدر، ۱۳۵۹). این‌که بانکداری اسلامی باید با موازین شریعت در هماهنگی کامل باشد، یادآور این نکته است که شریعت اسلامی افزون برتوصیه بر پرهیز از ربا، بر دو مبحث مهم دیگر یعنی «اخلاق‌مداری» و «عدالت‌مداری» نیز توصیه می‌کند.

دین اسلام از سه بخش اساسی اعتقادات، اخلاقیات و احکام سامان یافته و تمامی آموزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، تربیتی و اجرایی آن از یک بستر اخلاقی برخوردار می‌باشد[1]. توجه به اخلاقیات در امور اقتصادی ما را به پارادایم اقتصاد اخلاقی متوجه می‌کند. آن‌گونه که از لحاظ تاریخی ملاحظه می‌شود، اخلاق و اقتصاد همواره دو مقوله در هم تنیده بوده و در تاریخ علم اقتصاد، در دوره‌هایی به صورت پررنگ و در دوره‌هایی به صورت کمرنگ، مورد توجه بوده است. علاوه بر این، رفتارهای اقتصادی گرچه تابع نظام علی و معلولی می‌باشند ولیکن، این رفتارها متاثر از اراده و اختیار عوامل انسانی هستند که عامل تصمیم‌گیری بین گزینه‌ها و انتخاب‌های اقتصادی موید این مطلب می‌باشد. تصمیم و انتخاب انسان در عرصه‌های اقتصادی از ارزش‌ها و باورها و سلایق او نشات می‌گیرد. به نحوی که پایه‌ای‌ترین اصول اقتصاد سرمایه‌داری که همان حداکثرسازی سود و مطلوبیت و نفع شخصی می‌باشند از نوع امور ارزشی پدید آمده‌اند.

کاربردپذیری اخلاق در فعالیت‌های بانکداری سرفصل جداگانه‌ای با عنوان«بانکداری اخلاقی»را می‌گشاید که پرداخت به آن خارج از رسالت این نوشتار است؛ اما در همین حد بیان شود که بانکداری اخلاقی بر رعایت اخلاق در ابعاد درون بانکی (رابطه مدیران با کارکنان، رابطه کارکنان با بکدیگر، رابطه کارکنان با مشتریان، رابطه بانک با سهامداران و غیره)، بین بانکی (رابطه بانک‌ها با بانک مرکزی و نحوه رقابت بانک‌ها با یکدیگر در تصاحب بازار) و فرا بانکی (مسائل مربوط به صیانت

---

۱ ر.ک. سوره جمعه ۲، آل‌عمران ۱۵۹و ۱۶۴، بقره ۱۲۹ و ۱۵۱ و ۲۸۳، شمس ۹ و ۱۰، اعلی ۱۴ و ۱۵، قلم ۴، مؤمنون۸، نساء ۵۸، انفال ۲۷، احزاب ۲۴.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-09]

از محیط زیست، حفظ آرامش و ثبات اجتماعی، احترام به فرهنگ جامعه و غیره) تاکید دارد (ر.ک. عیوضلو و قلیچ، ۱۳۹۳).

موضوع دیگر که در تحقق بانکداری اسلامی نیازمند توجه است رعایت اصول عدالت‌مداری در نظام بانکی است. بند یک از ماده اول قانون عملیات بانکی بدون ربا یکی از اهداف نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران را «استقرار نظام پولی و اعتباری برمبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور» می‌داند. در این ماده، عدالت به عنوان شرط استقرار نظام بانکی اسلامی قید خورده است. از این‌رو این تحقیق سعی دارد تا با شناسایی پایه‌ای‌ترین اصول عدالت اقتصادی، سازوکار ایجاد یک بانک عدالت‌محور براساس موازین شریعت اسلامی را پیشنهاد دهد.

۱. پیشینه تحقیق

نظری (۱۳۸۳) بیان می‌دارد که عدالت اقتصادی از نظر افلاطون و ارسطو بر عنصر تناسب و شایستگی افراد و توزیع مشاغل و مسئولیت‌آی تاثیرگذار براساس همین شایستگی طبیعی اصرار دارد. اسلام نیز جهت تحقق عدالت اقتصادی براجرای حقوق متقابل حاکمیت و ملت تاکید دارد. او تمایز دیدگاه اسلامی را با سایر نظریات عدالت در سه نکته خلاصه می‌نماید. اول آن‌که بین عدالت و حق رابطه الزامی وجود دارد و دوم این‌که کلیات حقوق متقابل بین حاکمیت و ملت به رای و اندیشه فردی از افراد واگذار نشده است و سوم این‌که اجرا و تطبیق حقوق متقابل حاکمیت و ملت و تحقق عدالت اقتصادی می‌طلبد که زمینه‌های رانت‌خواری در بخش‌های مختلف اقتصادی از بین برود.

عیوضلو و کریمی‌ریزی(۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان«شناسایی و اندازه‌گیری شاخص عدالت و کارایی در نظام بانکی؛ مورد مطالعه: بانک توسعه صادرات ایران، استان اصفهان»، بیان می‌دارند که بانکداری بدون ربا گام نخست از بانکداری اسلامی است و نیاز است تا برای تحقق کامل نظام بانکی اسلامی به مولفه‌هایی همچون عدالت نیز توجه گردد. ایشان در ادامه ذکر می‌کنند که در بررسی عدالت اقتصادی توجه به حق مال و حق بایسته آن ضروری است، بر این اساس قابلیت و پتانسیل هر منطقه در توجه به عدالت اقتصادی اهمیت دارد و این حق باید ایفا گردد. لذا شناسایی مزیت‌های صادراتی مناطق و سیاست‌گذاری بانک برای حمایت از آن یکی از مواردی است که باید مورد توجه بانک توسعه صادرات قرار گیرد و قوام مناطق را حفظ کند و آن را شکوفا کند. مولفین در نتیجه‌گیری عنوان می‌کنند که با توجه به معیارهای معرفی شده در تحقیق، به ترتیب بخش

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-09]

صنعت و معدن، شیمیایی و پتروشیمی، خدمات و سپس کشاورزی شایسته توجه بانک توسعه صادرات در تسهیلات‌دهی می‌باشند.

شریفی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان«بررسی رابطه بین عدالت سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی در بانک ملی استان مازندران» با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از کارکنان و مشتریان بانک ملی استان مازندران و استفاده از روش توصیفی- پیمایشی نتیجه می‌گیرند که بین عدالت سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

آذر و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطهٔ علّی عدالت سازمانی با رضایت مشتری از طریق نقش میانجی سرمایهٔ اجتماعی در بانک‌های تجاری» بیان می‌دارند که امروزه رضایت مشتری در متون نظری و عملیات بازاریابی مورد توجه چشمگیری قرار گرفته است، بنابراین، این تحقیق درصدد شناسایی عوامل مؤثر بر رضایتمندی مشتریان با تأکید بر متغیرهای سرمایهٔ اجتماعی و عدالت سازمانی انجام گرفته است. جامعهٔ آماری این تحقیق را کارکنان و مشتریان بانک‌های تجاری استان‌های تهران، قم و مرکزی تشکیل داده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری برسرمایهٔ اجتماعی در کنار عدالت می‌تواند به بهبود رضایتمندی مشتریان کمک کند.

آن‌گونه که مشخص است الزامات رفتاری (آن‌گونه که این مقاله در سه قاعده بدان پرداخته است) یک بانک عدالت‌محور که بنا به گفته ماده یک قانون عملیات بانکی بدون ربا، برمبنای حق و عدل استوار باشد کمتر مورد توجه محققین قرار داشته است. از این‌رو می‌توان این مقاله را دارای ارزش‌افزوده و نوآوری دانست.

۲. چیستی عدالت

عدالت در لغت به مفهوم مساوات، میانه‌روی، توازن، حد وسط، انصاف است. عدالت در نگاه افلاطون، فضیلتی متعالی است که مابقی فضایل را تنظیم می‌کند. عدالت از نگاه او، جامع همه فضایل است. افلاطون، عدالت را زمانی اجرا شده می‌داند که هر چیزی سر جای خود نشسته باشد. یعنی یک فرد نظامی را به حکومت نگذارند، یک فرد بازاری به مسند قضاوت ننشیند و هر کسی کار خود را انجام دهد (تفضلی،۱۳۷۲: ۲۰). در دیدگاه «معلم اول»، ارسطو، عدالت به معنای خاص دو قسم دارد: عدالت توزیعی و عدالت تعویضی؛ عدالت توزیعی به وظایف دولت در قبال مردم اشاره دارد و چگونگی توزیع مشاغل، موقعیت ها و اموال و دارایی‌های عمومی را معلوم می‌سازد. عدالت تعویضی به رابطه و نسبت اشیاء با یکدیگر اشاره دارد. در مبادله و تعویض کالاها باید نسبت برابری مراعات

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-09]

شود تا مبادله در مسیر طبیعی خود انجام پذیرد. به عبارتی بایستی یک نوع برابری و همسنگی در ثمن و مثمن مبادلات و معاملات برقرار باشد (نظری، ۱۳۸۳: ۶۹-۶۸).

«مؤسس فلسفه اسلامی» و «معلم ثانی»، فارابی، عدالت را تناسب و هماهنگی یا قراردهی هر چیزی در جای خود، رعایت حدود هر چیزی و پرهیز و دوری از افراط و زیاده‌روی و نقصان می‌داند (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۳۰۰). ابن مسکویه عدل را قرار گرفتن هر چیزی به جای خودش و رساندن هر ذی‌حقی به حق خودش و حفظ روابط بین موجودات می‌داند (طوسی، ۱۳۶۴: ۴۲). ابن تیمیه یکی از عناوین عدل را عوادالمثل (جبران ضرر) می‌داند. وی در این خصوص می‌گوید: ارزیابی درست از جبران برابر، باید براساس مشابه ساختن و مقایسه یک چیز با معادل آن انجام شود. جبران یک‌چیز با معادل آن عدالت واجب نامیده می‌شود و اگر مقداری بیشتری جبران شود، بهتر است که به آن احسان مستحب گفته می‌شود، اما کاستن از مقدار برابر، ظلم محرم است (ابن تیمیه، ۱۹۶۳: ۵۲۲-۵۲۱). عدالت در نگاه ابن خلدون، خصیصه ماهوی نظم الهی در کائنات است. با توجه به آثار و آراء ابن خلدون می توان شش معنا را برای عدالت متصور شد: عدالت به معنای رعایت اعتدال و حد وسط، عدالت به معنای قراردهی هر چیز در جای خود و رعایت استحقاق ها، عدالت به معنای تحقق و اجرای سیاست شرعی، عدالت به معنای تقواپیشگی و ترک گناهان، عدالت به معنای مصلحت عمومی به بهترین نحو ممکن و عدالت به معنای اصلی‌ترین مبنای تأمین عمران و امنیت در جامعه (اخوان‌کاظمی، ۱۳۷۷: ۱۰۰).

همچنین شهید مطهری با اشاره به یکی از دقیق ترین تعاریف عدالت که «اعطای کل ذی‌حق حقه» (نهج‌البلاغه، حکمت۴۳۷) به معنای رعایت حقوق افراد و اعطای حق هر صاحب‌حق است، بیان می‌دارند که «مردم دارای یک رشته حقوق واقعی قطع نظر از فرامین شارع مقدس هستند و عدالت یعنی رعایت و حفظ همین حقوق واقعی»(مطهری، ۱۳۶۹: ۴۳-۴۰ و ۷۰-۶۴).

امیرالمومنین (ع) در خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه می‌فرمایند: فَإِذَا أَدَّتْ اَلرَّعِيَّةُ إِلَى اَلْوَالِي حَقَّهُ وَ أَدَّى اَلْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا عَزَّ اَلْحَقُّ بَيْنَهُمْ وَ قَامَتْ مَنَاهِجُ اَلدِّينِ وَ اِعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ اَلْعَدْلِ...: آن‌گاه که مردم حق رهبری را اداء کنند و زمامدار حق مردم را بپردازد، حق در آن جامعه عزّت یابد، و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت برقرار و... می‌شود.

بنابراین حق و عدل ممزوج یکدیگر هستند. البته قانوگذار این نکته ظریف را در ماده اول قانون عملیات بانکی بدون ربا با همراهی دو واژه حق و عدل متذکر شده است: «استقرار نظام پولی و اعتباری برمبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور».

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-09]

از این‌رو ما نیز این معنا از عدالت را که به سنت مستند است و به مفهوم قرارگیری هر چیزی در جایگاه خود و رسیدن حق به صاحب آن است را ملاک خود در این نوشتار قرار می‌دهیم. در مجموع می‌توان اذعان داشت که هر اقدام و یا سیاستی که موجب خروج از این قاعده کلی شود و دسترسی صاحب حق به حق خودش را با مانع مواجه سازد، مصداق بی‌عدالتی است (توسلی و قلیچ، ۱۳۹۲: ۵-۶).

۳. قواعد عدالت‌مداری با رویکرد اسلامی

آن‌طور که بیان شد عدالت با حق یک رابطه مستقیم دارد و هر کجا حقی موجود نباشد عدالت هم موضوعیت نمی‌یابد؛ پس برای رعایت عدالت بایست هرحقی به صاحب آن داده شود. از آن‌جا که نظام بانکی با افراد مختلفی اعم کارکنان و مشتریان و سهامداران خود در ارتباط است باید به‌نحو قدم بردارد که حق هر فردی به درستی رعایت شود. البته رفتار و عملیات بانک‌ها صرفا متوجه افراد فوق نیست، بلکه با توجه به اثرگذاری اجتماعی و اقتصادی عملیات بانکی و وجود عنصری به‌نام پول، چه‌بسا افرادی از جامعه که جزو این دسته از افراد هم نیستند، متاثر از رفتارهای بانکی باشند؛ از این‌رو حقوق این دسته از افراد هم لازم‌الرعایه است.

پس واضح است که بدون شناخت حق و منشأ ایجاد آن نمی‌توان به راحتی در مورد مفهوم بلند عدالت سخن به میان آورد. پس برای این شناخت، بایستی در ابتدا به این نکته پی‌ببریم که از نگاه موازین اسلامی چه کسانی حق بهره‌مندی از امکانات و تسهیلات را دارند و این حق برای هرکس به چه میزان می‌باشد؟ استناد به منابع اسلامی می‌تواند در این مسیر راه‌گشا باشد. با تدبری در مستندات اسلامی، سه قاعده عدالت‌مداری را می‌توان ذکر کرد:

۱.۳. قاعده‌اول: رعایت حقوق‌عام

حق استفاده و برخورداری از امکانات و منابع و ثروت‌های عمومی و همگانی که به حقوق عام معروف است از برای تمامی انسان‌ها برابر و یکسان می‌باشد و کلیه افراد می‌توانند در جهت افزایش عمرانی و آبادانی از این ثروت‌ها استفاده ببرند. این قاعده مهم را می‌توان از آیات قرآن کریم استنباط نماییم.

«هُوَ اَنشَاکُم مِنَ الاَرضِ وَ استَعمَرَکُم فِیهَا»[۱] (هود/۶۱)

«وَ لَقَد مَکَّنّاکُم فِی الاَرضِ وَ جَعَلنَا لَکُم فِیهَا مَعَایِشَ قَلیلاً مَّا تَشکُرُونَ»[۲] (اعراف/۱۰)

---

۱. اوست که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذاشت.

[۲] ما تسلط و مالکیت و حکومت بر زمین را برای شما قرار دادیم؛ و انواع وسایل زندگی را برای شما راهم ساختیم؛ اما کمتر شکرگزاری می‌کنید.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-09]

«هُوَ الَّذی خَلَقَ لَکُم ما فِی الاَرضِ جَمیعاً»[۱] (بقره/۲۹)
«وَ سَخَّرَلَکُم مَا فِی السَّمواتِ وَ ما فِی الاَرضِ جَمیعاً مِنهُ»[۲] (جاثیه/۱۳)
«وَ سَخَّر لَکُم الفُلکَ لِتَجریَ فِی البَحرِ بِاَمرِه وَ سخَّر لَکُم الاَنهارَ* وَ سخَّرلَکُم الشَّمسَ و القَمرَ دَائِبینِ وَ سخَّرلکُم اللَّیلَ وَ النَّهارَ»[۳] (ابراهیم۳۳-۳۲)

در کلیه آیات فوق ضمیر«کُم» بکار رفته است که عمومیت استفاده از نعمت‌های خدادادی را برای همگان در جهت اصلاح و آبادانی جائز دانسته است. هیچ‌کسی حق ندارد دیگری را بدون دلیل از این استفادهٔ عمومی منع نماید و یا استفادهٔ کسی را بی‌جهت محدود سازد. تفسیر نمونه، دربارهٔ آیه دهم از سوره مبارکه اعراف که در فوق بدان اشاره شده است؛ می‌نویسد: تمکین تنها بدین‌معنی نیست که کسی را در محلی جای دهند، بلکه به این معنی می‌باشد که تمام وسائل کار را در اختیار او قرار دهند و به او قدرت و توانائی بخشند، ابزار کار را فراهم سازند و موانع را برطرف سازند؛ به مجموعهٔ اینها کلمه تمکین اطلاق می‌گردد. درباره حضرت‌یوسف (ع) در قرآن می‌خوانیم«وَ کَذَلِکَ مَکَّنَّا لِیُوسُفَ فِی الاَرضِ» (یوسف/۲۱)، این چنین یوسف را در سرزمین مصر تمکین بخشیدیم (و همه گونه قدرت در اختیارش قرار دادیم). (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۶: ۹۶-۹۴) در تأیید این معنا، به بیانی از حضرت علی (ع) اشاره می‌کنیم. ایشان در شهر کوفه می‌فرمایند: «آگاه باشید زمینی که شما را بر پشت خود می‌برد و آسمانی که بر شما سایه افکنده است، فرمانبردار پروردگارند و برکت آن دو به شما نه از روی دلسوزی یا برای نزدیک شدن به شما و نه به امید خیری است که از شما دارند، بلکه آن دو مأمور رساندن منافع به شما بوده؛ او امر خدا را اطاعت کردند؛ به آن‌ها دستور داده شد برای مصالح شما قیام کنند و چنین کردند.» (نهج البلاغه/ خطبه ۱۴۳)

بنابراین ملاحظه می‌شود که مأموریت این نعمت‌ها این بوده که در اختیار عموم انسان‌ها قرار بگیرند و کلیه انسان‌ها برای مصالح و عمرانی جامعه از آنان بهره ببرند. پس توزیع عادلانه این دسته از نعمت‌های طبیعی برای همگان مساوی و علی‌السویه است؛ چراکه براساس آیات شریف قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام تمامی افراد جامعه در این منابع ذی‌حق هستند.

---

۱. اوست که همه آن‌چه را که در زمین وجود دارد برای شما آفریده است.
۲. او آن‌چه در آسمان‌ها و آن‌چه در زمین است همه را از سوی خودش مسخر شما کرده است.
۳. او کشتی‌ها را مسخر شما گردانید تا بر صفحه دریا به فرمان او حرکت کنند، و نهرها را مسخر شما نمود* خورشید و ماه را که با برنامه منظمی در کارند- به تسخیر شما در آورد و شب و روز را مسخر شما ساخت.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-09]

۲.۳. قاعده دوم: رعایت استحقاق افراد

منشأ دیگر در بدست آوردن حق، کسب امتیاز و برتری معقول است. در توزیع درآمد و ثروت، کار و تلاش و کوشش یکی از این امتیازها به شمار می‌آید. هرکسی که بیشتر فعالیت نماید بایستی سهم بیشتری از ارزش افزوده ایجاد شده را به خود اختصاص دهد. در عهدنامهٔ مالک اشتر، امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند: «مقدار رنج هر یک را مورد توجه قرار ده و رنج یکی را به حساب دیگری قرار نده و در پاداش و مزد او به اندازه رنجی که دیده و زحمت و تلاشی که کرده است کوتاهی نکن.» (نهج البلاغه / نامه ۵۳)

حقیقت عدل، مساوات را برقرار نمودن و هماهنگی در کارها داشتن است. در عدالت به هرکسی سهم بایسته داده می‌شود و بنابراین همگان در رسیدن به سهم خود و قرار گرفتن در جایگاه بایسته خود برابر می‌شوند (علامه طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۲: ۳۳۱).

قرآن کریم در آیه‌ای به این نکته مهم اشاره می‌دارد: «اِنَّا لَا نُضِیعُ اَجرَ مِن اَحسَنَ عَمَلاً»[۱] (کهف/۳۰) این آیه توجه به این نکته دارد که هرکسی که زحمتی کشیده باشد و فعالیتی کرده باشد و یا در زبان اقتصادی، ارزشی را ایجاد نموده باشد، مستحق دریافت مزد و اجر است. «وَ یَا قَومِ اَوفُوا المِکیَالَ وَ المِیزَانَ و لا تَبخَسوا النَّاسَ اَشیاءَهُم وَ لاتَعثُوا فِی الاَرضِ مُفسِدینَ»[۲](هود/۸۵)

حضرت علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌فرمایند: اگر که زیاده از حد (حق) بنا برخیانت گرفته شود (یا به عبارت دیگر مزد یک نفر به قدر تلاشش پرداخت نشود) این باعث فساد می‌شود و اگر این امر از یک دو نفر تجاوز کند و همه‌گیر شود، آن‌گاه اعتماد و وثوق از جامعه رخت برمی‌بندد و امنیت مختل شده و این خود یک نکبت عمومی را به همراه می‌آورد که صالح و طالح (غیرصالح)، کم‌فروش و غیر کم‌فروش، همه را به یک‌جور دامن‌گیر می‌کند. (علامه طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۰: ۵۴۴-۵۴۲)

علامه جعفری نیز در تفسیر این آیه می‌فرمایند: «کار و تلاش مفید و ارزش‌هایی را که به وسیله یک فرد یا گروه به وجود آمده است، فقط و فقط باید به حساب خود بوجودآورنده یا بوجودآورندگان آن‌ها منظور شود و هرگز نباید به حساب دیگران گذاشته شود.» در عهدنامهٔ مالک اشتر، امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: «مقدار رنج هریک را مورد توجه قرار ده و رنج یکی را به حساب دیگری قرار نده و در پاداش و مزد او به اندازه رنجی که دیده و زحمت و تلاشی که کرده است کوتاهی نکن.» (جعفری، ۱۳۷۸، ۱۲۱: به نقل از عیوضلو، ۱۳۸۴: ۹۲)

---

۱. همانا ما پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهیم ساخت

۲. و ای قوم من پیمانه و میزان را با عدالت کامل کنید و بر اشیاء (و اجناس) مردم عیب نگذارید و از حق آنان نکاهید و در زمین به فساد نکوشید.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-09]

«لِلرِّجَالِ نَصيبٌ مِمَّا اكتَسَبُوا و لِلنِّساءِ نَصيبٌ مِمَّا اكتَسَبنَ»[۱] (نساء/۳۲) این آیه به این نکته اشاره دارد که هرکسی به قدر تلاش و کوشش سازنده‌ای که داشته و به قدر استحقاقش در ثروت‌ها و دارائی‌های بوجود آمده سهم و نصیب دارد.

بنابراین توزیع این ثروت‌ها هنگامی عادلانه می‌شود که حق هر صاحب حقی را که به واسطه کار و فعالیتش به آن حق رسیده است بطور کامل ادا شود و خارج این رفتار نمودن مساوی بی‌عدالتی و ظلم است. علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌فرمایند: طبیعت انسان بگونه‌ای است که وقتی دست و دلش به کار کردن باز می‌شود که در آن برای خود یک مزیت و برتری ببیند و این امید تقدم بر دیگران است که او را به سوی کار و تلاش سوق می‌دهد؛ اگر قرار بود که هیچ‌کس به واسطه تلاشش نصیبی نبرد، هیچ فردی حاضر نبود رنج کار را برخود هموار کند و به آبادانی و عمران بپردازد. مسلم است که با نابودی کار و فعالیت، بشریت به نابودی و هلاکت می‌رسد (علامه طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۵۴۰- ۵۳۲).

همچنین مرحوم فیض در تفسیر آیه «والسَّماءَ رَفَعَها و وَضَع المیزانَ» (الرحمن/۷) می‌نویسد: «خداوند عدالت را برقرار نمود به این صورت که برهر صاحب استعدادی آن‌چه استحقاق داشت عنایت کرد و حق هر صاحب حقی را ادا نمود تا کار عالم به سامان شد.» (فیض کاشانی،۱۰۹۱ق: ۱۰۷-۱۰۶). مرحوم علامه طباطبایی نیز در بیان این مفهوم می‌فرمایند: مراد از میزان در این آیه همان معنائی است که در آیه «لَقَد اَرسَلنا رُسُلَنا بِالبَیِّناتِ وَ اَنزَلنا مَعَهُم الکِتابَ وَ المیزانَ لِیَقومَ النّاسُ بِالقِسطِ» (حدید/۲۵) آورده شده است. (علامه طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۹: ۱۶۲).

علامه در تفسیر آیه ۲۵ سوره مبارکهٔ حدید ضمن اشاره یه این نکته که مفسرین برای کلمهٔ «میزان» معانی «عقل» و نیز «دین» را ذکر کرده‌اند؛ اشاره می‌دارند که عده‌ای از مفسرین معنای ترازو را هم برای «میزان» متصور شده‌اند. سپس ادامه می‌دهند که اهمیت این موضوع از آن باب است که نسبت میان اشیاء مضبوط باشد. چرا که قوام زندگی بشر به اجتماع است و قوام اجتماع به معاملاتی که در آن جاری است. مسلّم است که قوام معاملات نیز به این است که نسبت بین آنان حفظ شود. (علامه طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۹: ۳۰۴-۳۰۱).

استاد مطهری نیز یکی از معانی عدالت را «موزون بودن» می‌داند و می‌افزاید: اگر مجموعه‌ای را در نظر بگیریم که در آن اجزاء و ابعاض مختلفی به کار رفته است و هدف خاصی از آن مورد نظر است باید شرایط معینی در آن از حیث مقدار لازم هر جزء و کیفیت ارتباط اجزا با یکدیگر رعایت شود و تنها در این صورت است که مجموعه می تواند باقی بماند و اثر مطلوب خود را برجا بگذارد و

[۱] مردان نصیبی از آنچه بدست می آورند دارند و زنان نیز نصیبی.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-09]

نقش منظور شده را ایفا کند (مطهری، ۱۳۵۲: ۵۴) در آیه دیگر داریم: «وَ اَن لَّیسَ لِلاِنسَانِ الَّا مَا سَعَی»۱ (نجم/۳۹)؛ و انسان‌ها چه در بُعد مادی و چه بُعد معنوی چیزی جز دسترنج و نتیجه عملکردهای خویش را نخواهند داشت؛ البته غالب مفسرین بُعد اخروی این آیه را در نظر داشتند و به کارنامه اعمال انسان‌ها در روز جزا اشاره کرده‌اند و تعبیر اقتصادی چندانی از این آیه ننموده‌اند (ر.ک. علامه طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۹، ۷۶-۷۴ و مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۲۲: ۵۵۰).

بنابراین استحقاق داشتن در استفاده از امکانات و منابع عمومی برحسب امتیاز و شایستگی افراد، امری مقبول و قابل استناد به آیات و روایات است. به عبارتی توزیع مساوی و علی‌السویه منابع بین‌افراد جامعه نه تنها به معنای عدالت‌ورزی نیست بلکه عین بی‌عدالتی می‌باشد. افراد حق دارند بنا برمیزان استحقاق، شایستگی و لیاقتی که از خود نشان می‌دهند خود را در دریافت امکانات و خدمات بیشتر محق جلوه دهند.

این قاعده با قاعده اول تعارضی ندارد چراکه قاعده اول به برابری شرایط مسابقه برمی‌گردد حال آنکه قاعده دوم به این مهم اشاره دارد که در حین مسابقه هرکسی بیشتر تلاش نمود مستحق دریافت بیشتر می‌باشد. طبیعی است اگر شرایط ابتدایی برای همگان برابر نباشد، تلاش و کوشش افراد در حین مسابقه جهت دستیابی به منابع توزیعی بی‌فایده خواهد بود و روند کشف استحقاق آنان خدشه‌دار خواهد شد.

۳.۳. قاعده‌سوم: توجه به نیاز و احتیاج اقشار ضعیف و ناتوان

تا این‌جا دو قاعده عدالت‌مداری رعایت حقوق عام و رعایت استحقاق افراد مورد معرفی قرار گرفت. اما قاعده سومی هم وجود دارد که متوجه نیاز و احتیاج اقشار ضعیف و ناتوان است.

پس از آن‌که قرآن‌کریم نعمت‌های الهی را برای عموم مردم در جهت عمران و آبادانی قرار داد و پس از آن‌که افراد بنا برتلاش و کوشش و فعالیت ذهنی و بدنی‌شان سهم و نصیبی از منابع را از آن خود کردند؛ عده‌ای هم باقی می‌مانند که به علتی غیر از تنبلی و تن‌پروری، نتوانستند خود را مستحق دریافت منابع از راه تلاش و کوشش نشان دهند. این دسته از افراد جامعه خود به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ یک گروه کسانی که به علت معلولیت و ناتوانایی‌های طبیعیِ ذهنی و بدنی، سالخوردگی، یتیمی و یا ابتلا به بیماری‌های گوناگون نتوانستند هیچ فعالیت مفیدی از خود نشان دهند. گروه دوم کسانی هستند که علی‌رغم فعالیت وکوشش، نتوانستند به قدری مزد و اجرت

۱. و برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-09]

بگیرند که نیازهای روزمره خود را برطرف نمایند[۱]. «وَ الَّذینَ فی اَموالِهِم حَقٌّ مَعلـومٌ»[۲] (معـارج/۲۴) «وَ فِی اَموالِهِم حقٌّ لِلسَّائِلِ وَ المَحرومِ»[۳] (ذاریات/۱۹) سائل کسی است که از مـردم تقاضـای کمـک دارد ولی محروم کسی است که برای معیشتش نهایت تلاش را می‌کند ولی کسـب و کـار زنـدگیش بهم پیچیده است و خویشتن‌داری می‌نماید. (مکارم شـیرازی، ۱۳۶۶، ج۲۲: ۳۲۵-۳۲۳). پیـام ایـن آیه این است که همینطور منتظر تقاضای فقیر ننشینید؛ بلکه جستجو کنید و محـرومین آبـرودار را پیدا نمایید و به آنان کمک برسانید (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج۲۲: ۳۲۹-۳۲۶). ملاحظه می‌شود که قرآن‌کریم یک «حق» لازم و واجب را در درون اموال طبقه توانای جامعه قرار داده اسـت و حتـی از لحاظ مالکیت نیز افراد توانا را صاحب آن بخش مخصوص از اموال خود نمـی‌دانـد و آن را مسـتقیماً حقِّ محرومین و فقرای جامعه برمی‌شمارد. نکته بسیار جالب کلام قرآن اینست کـه بـین حـق ایـن افراد ناتوان در اموال اغنیاء و نوع حق اغنیاء در مال خودشان تفاوت چندانی وجـود نـدارد و هـر دو گروه در توزیع عادلانه ثروت و دارائی مستحق هستند.

خمس، زکات، انفاق، صدقه و مالیات‌های حکومت اسلامی از جملـه راهکارهـائی مـی‌باشـد کـه اسلام برای تحقق این امر مهم ارائه نموده است. به عنوان مثال در این مورد می‌توان بـه آیـات ذیـل اشاره داشت:

«وَ اعلَمُوا اَنَّمَا غَنِمتُم مِن شَیءٍ فَاَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ و لِلرَّسُولِ و لِذِی القُربَی وَ الیَتَمـی وَ المَسـاکِینِ وَ ابنِ السَّبیلِ »[۴] (انفال/۴۱)

«ءَامِنُوا بِاللهِ وَ رَسُولِهِ و اَنفِقُوا مِمَّا جَعَلَکُم مُّستَخلَفینَ فِیهِ فَالَّذینَ ءَامَنُوا مِنکُم وَ اَنفَقُـوا لَهُـم اَجـرٌ کَبیرٌ»[۵] (حدید/۷)

آیات بسیاری از این دسته در قرآن وجود دارد که مسلمانان را شدیداً به یاری رساندن به هم‌نوع خود سفارش می‌کنند[۶].

---

۱. برای آشنائی بیشتر با آیات مربوط، ن.ک.: بقره/۲۷۱ – بقره/۲۷۳ – نساء/۶ – توبه/۶۰ – نور/۳۲ – حج/۲۸ – حشر/۷و۸

۲. و کسانی که در اموال‌شان حقی معلوم است.

۳. و در اموال آنان حقی از برای سائل و محروم وجود دارد.

۴. بدانید هرگونه غنیمتی که بدست می‌آورید، خمس آن برای خدا، برای پیامبر، و برای نزدیکان و یتیمان و مساکین و واماندگان در راه(از آن‌ها) است.

۵. به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آن‌چه شما را جانشین و نمایندهٔ (خود) قرار داده انفاق کنید؛ (زیرا) کسانی- که از شما ایمان بیاورند و انفاق کنند، اجر بزرگی دارند.

۶. برای مطالعه بیشتر در خصوص این دسته از آیات نگاه کنید به عبداللهی، (۱۳۷۵) و دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، (۱۳۷۱).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-09]

اما آیه هفتم سوره مبارکه حشر نکته جامعی را برای بحث ما بیان می‌دارد: «مَّا أَفاءَ اللّهُ عَلَـى رَسُـولِهِ مِن أَهلِ القُرَى فَلِلّهِ وَ لِلرَّسول و لِذی القُربَی و الیَتَمی وَ المَساکینِ و ابنِ السَّبیلِ کَـی لا یَکـونَ دَولـةَ بَینَ الأَغنیاءِ مِنکُم»[1] (حشر/۷) این آیه، یک جهت‌گیری کلی را برای اقتصاد اسـلامی روشـن نمـوده است. قرآن‌کریم در عین احترام به مالکیت خصوصی یک قانونی را وضع نموده که براساس آن اموال و ثروت‌ها در دست گروهی خاص محدود نشود و از دست به دست شدن آن در گوشه‌ای ممانعت به عمل آید. البته این‌بدین معنا نیست که بدون قاعده و اصول امـوال گروهـی را گرفتـه و بـه دیگـران بدهیم؛ بلکه بدین مفهوم است که اگر مقررات اسلامی بـه درسـتی اجـرا شـود، خـود بخـود نتیجـه ایده‌آل فراهم می‌آید و ضمن حفظ مالکیت خصوصی و تـأمین مصـالح جمعـی، از دو قطبـی شـدن جامعه به دو طبقهٔ فقیر و غنی جلوگیری به عمل خواهد آمد (مکـارم شـیرازی، ۱۳۶۶، ج۲۳: ۵۱۴-۵۰۴). جالب این‌جاست که این آیه شریفه پس بیان حق دسته سوم از بحـث مـا، اشـاره بـه توزیـع عادلانه ثروت و دارائی‌ها و عدم تمرکز و تجمع آنان در گوشه‌ای خاص سخن به میان می‌آورد.

۴. تبیین چارچوب کلی برای بانک عدالت‌مدار

با توجه به قواعد سه‌گانه عدالت‌مداری که مورد معرفی قرار گرفت، مـی‌تـوان چـارچوبی کلـی بـرای بانک عدالت‌مدار شناسایی کرد. براساس این سه قاعده، چارچوب کلی بانک عدالت‌مدار در سه محور ذیل نمود می‌یابد:

الف) رعایت حقوق عام و عدم تبعیض ناروا

ب) رعایت استحقاق در عملیات بانکی

ج) توجه به به نیاز و احتیاج اقشار ضعیف و ناتوان

نکته لازم به اشاره آن است که الزام یک بانک به رعایت اصول عدالت‌مداری خارج از بحث اجبار قوانین و مقررات کشوری است. رعایت این اصول به نحو اختیـاری بـوده و یـک بانـک دولتـی و یـا خصوصی به خواست خود می‌تواند با رعایت این قواعد، تراز خود را به سطح یک بانـک عـدالت‌مـدار نزدیک نماید. ذکر این نکته از این حیث است که شاید چنین برداشت شود که این اصول صرفا برای بانک‌هایی که متصل به بودجـه بیـت‌المـال هسـتند قابلیـت اجـرا دارد حـال آن‌کـه رعایـت اصـول عدالت‌مداری، با توجه به توصیه کلی دین اسلام حتی برای بخش خصوصی نیز دارای مزیت و بهـره خواهد بود.

---

[1] آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش باز گرداند ازآن خدا و رسولش و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است؛ تا اینکه این اموال در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-09]

۱.۴. رعایت حقوق عام و عدم تبعیض ناروا

در این‌جا منظور از تبعیض ناروا تبعیض بدون دلیل و صرفا براساس روابط غیر ضابطه‌مند است. براساس قاعده اول پیش‌گفته، با افرادی که شرایط یکسانی دارند باید رفتاری غیرتبعیضی انجام شود. رعایت حقوق عام در نظام بانکداری عدالت‌مدار در سه‌بخش قابل تقسیم است:

حقوق کارکنان: عدالت حکم می‌کند که مدیران بانکی بین دو کارمندی که از لحاظ عملکرد و سوابق همانند هم هستند تفاوتی خارج از ضابطه قائل نباشند. محمل این موضوع مواردی همچون جذب و استخدام کارکنان، نظام دستمزد و پاداش، نظام آموزش و تربیت، نظام ارتقای شغلی و غیره است؛ در این بخش لازم است که تبعیض ناروا بین دو نفر همسان رخ ندهد. به عنوان نمونه نحوه برخورد با دو کارمندی که سابقه، موقعیت‌کاری، عملکرد و ساعت‌کاری یک‌سانی دارند باید مشابه هم باشد. این موضوع در پرداخت دستمزد، پاداش، فرصت دوره‌های آموزشی و تربیتی و ارتقای شغلی و غیره بروز و ظهور دارد.

حقوق مشتریان: همانند مورد قبل، عدالت حکم می‌کند که بانک بین دو مشتری که از لحاظ سابقه و شرایط مالی در سطح یکسانی هستند تفاوتی قائل نباشد. نوبت‌دهی خارج از قاعده، تسریع در انجام پرونده‌های تسهیلاتی برای افراد بانفوذ، برخورداری از امتیازهای ویژه همچون افشای اطلاعات محرمانه برای افراد بانفوذ که موجب محروم شدن سایر مشتریان و تبعیض به نفع عده‌ای دیگر می‌شود (رانت اطلاعاتی) و مسائلی از این دست از جمله مصادیق این بخش است.

حقوق سهامداران: عدالت حکم می‌کند که مسئولین بانکی بین دو سهامداری که شرایط یکسان دارند تفاوتی قائل نباشند. افشای اطلاعات محرمانه نزد یک سهامدار بانفوذ و یا تسریع در امور سهامداری وی از جمله مصادیق این بخش است.

حقوق آحاد جامعه: بنا به تعاریف کارکرد پول، غیر از دو وظیفه واسطه مبادله و معیار سنجش بودن، وظیفه ذخیره ارزش بودن نیز برای پول تعریف شده است. ممکن است عده‌ای از افراد به هر دلیلی میل نداشته باشند که درآمد خود را سریع خرج کنند. از این‌رو پول در جایگاه وسیله ذخیره ارزش این امکان را فراهم می‌سازد که افراد قدرت خرید خود را تا زمان خرید و مصرف کالا و خدمات به تعویق بیاندازند. البته این خاصیت، منحصر به پول نیست و زمین، مسکن، سهام، طلا و جواهرات نیز از این ویژگی برخوردار می‌باشند. مزیت پول در این است که نقدینگی بسیار بالایی داشته و بردیگر اموال و دارایی‌ها ارجحیت دارد؛ ضمن آن‌که این موارد، نمی‌توانند به تنهایی جایگزین پول شوند، چراکه پول از وظایف دیگری برخوردار است که این موارد از ایفای آن وظایف ناتوان هستند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-09]

با توجه به این نکته، هر فردی از جامعه با در اختیار داشتن پول، صاحب حقی خواهد بود. بدین دلیل می توان اذعان نمود که کارکرد عدالت در صیانت از قدرت خرید و ارزش پول، قابلیت تعریف دارد. افرادی که ثروت خود را به شکل پول نگه می‌دارند، افرادی هستند که با اعتماد به اعتباری که دولت به پول بخشیده است، سرمایه خود را در قالب آن ذخیره کرده‌اند و از این‌رو انتظار دارند که این ارزش، بدون دلیل و در پی اقدامات نهادی خارجی همچون دولت، کاهش نیابد و وظیفه ذخیره ارزش بودن پول به طور کامل ایفا شود. اجرای عدالت به مفهوم رعایت استحقاق ها و رعایت حقوق افراد و عطا کردن حق هر ذی‌حق به او مستلزم همین‌معنا می‌باشد که ارزش پول به مرور زمان کاهش نیابد و سرمایه و ثروت افراد خارج از اختیار و عملکرد آنان مستهلک نشود.

یکی از جریان‌هایی که باعث کاهش ارزش پول می‌شود، خلق پول بی‌پشتوانه و یا همان مالیات تورمی است. کاهش ارزش پولی که از ناحیه پولی کردن کسر بودجه حاصل می‌شود، همانند کاهش عیار در مسکوکات فلزی بوده و این عمل مصداق «نقص در مال» است. نقص در مال، اصطلاحی فقهی است که در رابطه با هر مالی مقتضای خاص خودش را دارد. به عنوان مثال، اختلاط شیر با آب به نقص در مال که همان شیر باشد می‌انجامد. به همین ترتیب، پول که مال اعتباری است نقصان خاص خودش را دارد که از طریق عملکرد اعتباردهنده به نحو سیاستگذاری انبساطی پولی بدون پشتوانه تولید ملی، برای پول حاصل می‌گردد (توسلی، ۱۳۸۳: ۱۰۵-۷۵).

با نگاهی به اثرات مخرب مالیات تورمی در کاهش ارزش پول و استهلاک ارزش‌های ذخیره شده می توان اذعان داشت که اعمال این سیاست به بی‌عدالتی و تضییع حقوق آحاد جامعه منجر خواهد شد. چراکه فردی که دارایی خود را در قالب پول ذخیره نموده، از یک حقوق عام برخوردار است؛ به عبارت بهتر، ارزش پول اعتبار شده به قدرت خرید آن است و فرد صاحب پول، مالکیت قدرت خرید آن را در اختیار داشته و به نوعی صاحب حق در استفاده و یا انتقال آن می‌باشد. اما این فرد با بروز مالیات تورمی شاهد کاهش قدرت خرید خود می‌شود، بی‌آنکه در این کاهش دخالت و یا تقصیری داشته باشد (توسلی و قلیچ، ۱۳۹۲:۱۰).

نکته دیگر آن‌که یکی از ویژگی‌های مشهود خلق پول بی‌پشتوانه و مالیات تورمی، عدم تناسب و ناهمگونی در تغییرات قیمت ها و درآمدها است. بدین‌نحو که قیمت برخی از کالا و خدمات و درآمد برخی از طبقات اجتماعی، با آهنگی شدیدتر از سایر قیمت ها و یا درآمدها افزایش می‌یابد. این عدم تناسب در بالا و پایین شدن قیمت ها و درآمدها موجب آن می‌شود که درآمد و ثروت حقیقی برخی از طبقات و گروه‌ها به ضرر طبقات و گروه‌های دیگر بهبود یابد(کتابی، ۱۳۷۱).

بدیهی است فشار سنگین این توزیع ناعادلانه بردوش صاحبان درآمد ثابت و نیمه ثابت همچون کارمندان و کارگران و یا خریداران اوراق مشارکت بیشتر احساس می‌شود. به عبارت دیگر گرچه تورم، ضرر خود را به همه می‌رساند، اما طبقهٔ مرفه جامعه که امکان تبدیل پول به زمین، مسکن،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-09]

طلا و جواهرات و دارایی‌هایی از این قبیل را دارند؛ با این انتقال از زیان کاهش قدرت خرید پول تا حدی مصون می‌مانند؛ در حالی‌که طبقات پائین درآمدی که پول چندانی برای خرید کالاهای بادوام همچون زمین و مسکن ندارند و غالباً عمده درآمد خود را صرف کالاهای ضروری و مصرفی می‌کنند، بیشتر از تبعات افزایش تورم ضربه می‌پذیرند. از این جهت می‌توان ادعا نمود که مالیات تورمی به توزیع ناعادلانه درآمدها و افزایش شکاف طبقاتی منتج خواهد شد (توسلی و قلیچ، ۱۳۹۲: ۱۱).

بنابراین بر یک بانک عدالت‌مدار است که سعی نماید در مسیر ایجاد خلق پول بی‌پشتوانه و خارج از ضوابط بانک مرکزی که موجب ایجاد مالیات تورمی برای کل آحاد جامعه می‌شود، گام برندارد. البته عمده دقت رعایت این نکته متوجه خود بانک مرکزی است که تا با اعمال سیاست‌های اقتصادی و نظارتی ضمن حفظ ارزش پول ملی، در توزیع عادلانه ثروت و درآمدها نقش مثبت ایفا نماید.

اما مورد دیگر از حقوق عام که می‌تواند در وظیفه یک بانک عدالت‌محور مورد توجه باشد، صیانت از محیط‌زیست است. محیط‌زیست از حقوق عامه افراد جامعه است و هم سیاست‌های تسهیلاتی و هم ساختار فیزیکی یک بانک نباید مخرب این محیط باشد. به عنوان نمونه در بخش سیاست‌های تسهیلاتی بانک عدالت‌محور نباید به تامین مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی بپردازد که آلاینده محیط‌زیست (مطابق با یک سطح استاندارد) هستند. به عبارتی بانک نباید شریک فعالیت آلاینده کارخانه‌ها باشد ولو در حد تامین مالی و اعطای تسهیلات به آن. اما در بخش ساختار فیزیکی یک بانک نیز نیاز است که نحوه استفاده از انرژی در ساختمان بانک از حیث وسایل سرمایشی و گرمایشی، استفاده از مواد بازیافت شونده در تجهیزات اداری و غیره مورد مداقه بانک قرار گیرد. به هر تقدیر صیانت از محیط زیست نباید تحت هر قالبی از سوی یک بانک عدالت‌محور مورد خدشه قرار گیرد، چراکه محیط‌زیست از حقوق عامه افراد حاضر و نسل‌های آتی است و بنا به تعاریف ارایه شده، تضییع این حق از مصادیق بی‌عدالتی می‌تواند باشد.

همچنین امنیت، آرامش و ثبات اقتصادی یک جامعه از جمله کالاهای عمومی است که آحاد جامعه در آن سهم و حق دارند و برهم‌زدن آن مصداق تضییع حقوق عام به حساب می‌آید. انجام رفتارهای پرخطر و متهورانه مالی، عدم ایفای به‌موقع و کامل تعهدات، ایجاد شوک در اقتصاد و مباحثی از این دست می‌تواند به این کالای عمومی آسیب بزند و موجب تضییع حقوق افراد جامعه شود. از این جهت نیاز است که یک بانک عدالت‌محور در پاسداشت آرامش و ثبات اقتصادی و مالی جامعه فعال باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-09]

۲.۴. رعایت استحقاق افراد در عملیات بانکی

براساس قاعده‌دوم پیش‌گفته، شایستگی، استحقاق و شرایط نابرابر دو فرد موجب می‌شود که حق تفاوت برخوردی با آنان لحاظ شود. برخلاف مورد قبل چنان‌چه در این‌جا رفتار یک‌سانی با دو نفر که شرایط و شایستگی برابری ندارند شود این خود مصداق بی‌عدالتی خواهد بود. رعایت استحقاق افراد در نظام بانکداری عدالت‌مدار نیز در سه بخش قابل تقسیم است:

حقوق کارکنان: به استناد قاعده دوم، چنان‌چه کارمندی از حیث عملکرد، دانش و سابقه‌کاری در وضعیت بهتری نسبت به کارمند دومی قرار داشته باشد، قاعده عدالت حکم می‌کند که در برخورد با او تفاوت نسبی رعایت شود. این تفاوت رفتاری می‌تواند در مواردی همچون جذب و استخدام کارکنان، نظام دستمزد و پاداش، نظام آموزش و تربیت، نظام ارتقای شغلی و غیره بروز داشته باشد.

حقوق مشتریان: همانند مورد قبل، تفاوت رفتاری با مشتریانی که از سابقه و عملکرد بهتری برخوردار هستند جزو قواعد عدالت‌مداری است. به عنوان نمونه می‌طلبد بانک با مشتری‌ای که در بازپرداخت تسهیلات بانکی خود منظم‌تر رفتار می‌کند، شرایط تسهیل‌کننده بیشتری قائل باشد تا مشتری که در بازپرداخت تسهیلات دچار تاخیر و نامنظمی است. همچنین در تعیین نرخ سود تسهیلات، می‌توان نرخ پایین‌تری برای مشتری‌ای قائل شد که توانمندی و شایستگی بیشتری در ایجاد پروژه‌های پربازده اقتصادی از خود نشان داده است.

نکته لازم بذکر است آن است که این استحقاق صرفا در رابطه مقایسه‌ای بین دو فرد بروز ندارد؛ تناسب نرخ سود تسهیلات بانکی با شرایط اقتصادی یکی از مصادیق استحقاق است. به عنوان نمونه در شرایط رکودی اقتصاد که امکان کسب نرخ سود بالا برای فعالان اقتصادی دور از دسترس است، تعیین نرخ سود تسهیلات فراتر از نرخ بازار به نوعی عدم تناسب و توازن با شرایط است و می‌تواند در چارچوبی خارج از عدالت مطرح شود. این نکته برای نرخ سود سپرده هم قابل پیاده‌سازی است. در سپرده‌گذاری مدت‌دار سپرده‌گذاران وجوه خود را بنا به قاعده وکالت به بانک می‌سپارند و بانک وظیفه دارد با آن سپرده‌ها در چارچوب عقود اسلامی فعالیت کرده و سود حاصله را به تناسب آورده هر سپرده‌گذار بین آنان توزیع نماید. از این‌رو عدم رعایت استحقاق افراد(مانند عدم پرداخت سهم متناسب هر سپرده‌گذار) و یا تعیین شروط ضمن قرارداد که افراد را از حق بهره‌گیری کامل از نمای حاصل محروم می‌سازد همگی از مصادیق بی‌عدالتی بشمار آید. لازم بذکر است که این‌که نرخ بازاری عادلانه که طبیعتا از یک بازار آزاد و بدون رانت ناشی می‌شود دقیقا چقدر است، نیاز به بررسی و مطالعات پژوهشی دقیق‌تری دارد.

نکته دیگر در دریافت هزینه‌های کارمزد بانکی است. بنا به قاعده استحقاق، بانک حق دارد در برابر ارایه خدمات بانکی از مشتریان کارمزد دریافت کند. همچنین دریافت کارمزد اضافی و نامتناسب با

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-09]

کار انجام شده از سوی بانک خود از مصادیق دریافت غیرمستحق و خارج از اصول عدالت‌مداری است. شیوع این رخداد عموما در جایی است که بانک نمی‌تواند از مسیر بکارگیری تسهیلات، سود مدنظر خود را حاصل نماید؛ در این حال سعی در جبران سود از مجرای کارمزد بانکی می‌کند بدین‌نحو که فراتر از کار انجام شده از مشتری کارمزد دریافت می‌نماید.

حقوق سهامداران: تعاریف فوق برای سهامداران نیز قابل پیاده‌سازی است. رعایت حق تقدم در سهامداری مصداقی از اجراسازی قاعده دوم در امور مربوط به سهامداری بانک است.

۳.۴. توجه به نیاز و احتیاج اقشار ضعیف و ناتوان

باتوجه به قاعده‌سوم پیش‌گفته، توجه به اقشار ضعیف و ناتوان جامعه بخشی از اجرای عدالت‌مداری را شامل می‌شود. البته ممکن است در اینجا تعارض منافع بین سهامداران، سپرده‌گذاران و بانک عدالت‌محور بوجود آید؛ بدین طریق که بانک وکیل سپرده‌گذاران و سهامداران در بکارگیری منابع بانکی در طرح‌های اقتصادی پربازده و کسب سود است. در این حال اگر بانک بخواهد بخشی از تسهیلات را در مسیری غیر از این با هدف حمایت از محرومان و نیازمندان مصرف نماید با غرض موکلان خود که همان سهامداران و سپرده‌گذاران است در تعارض واقع می‌شود. از این‌رو به نظر می‌رسد که چنان‌چه صاحبان سرمایه بانک رضایت به هزینه‌کرد سرمایه در این مسیر نداشته باشند نمی‌توان این عامل را به پیش برد. به عبارتی این بعد از عدالت‌مداری بانک (تحت قاعده سوم) منوط به رضایت مالکان دارایی و سرمایه بانک است.از جمله اقدامات یک بانک برای توجه به قاعده سوم عدالت‌مداری می توان به موارد ذیل اشاره داشت:

- اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به طبقه محروم جامعه با اولویت ایجاد کارآفرینی و رفع فقر
- اعطای تسهیلات غیرقرض‌الحسنه‌ای با نرخ ترجیحی به طبقه محروم جامعه با اولویت ایجاد کارآفرینی و رفع فقر
- ارایه خدمات بانکی با کارمزد ترجیحی به طبقه محروم جامعه
- همکاری بانکی با نهادهای حمایتی همچون کمیته امداد و سازمان بهزیستی و غیره
- همکاری بانکی با اشخاص خیّر و نهادهای خیریه و واقفین
- فراهم‌سازی بسترهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری ارایه خدمات متناسب به معلولان و ناتوانان جسمی و ذهنی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-09]

نتیجه‌گیری

این‌که بانکداری اسلامی باید با موازین شریعت در هماهنگی کامل باشد، یادآور این نکته است که شریعت اسلامی افزون بر توصیه بر پرهیز از ربا، بر دو مبحث مهم دیگر یعنی «اخلاق‌مداری» و «عدالت‌مداری» نیز توصیه می‌کند. بندیک از ماده اول قانون عملیات بانکی بدون ربا یکی از اهداف نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران را «استقرار نظام پولی و اعتباری برمبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور» می‌داند. در این ماده، عدالت به عنوان شرط استقرار نظام بانکی اسلامی قید خورده است. از این‌رو این تحقیق سعی داشت تا با شناسایی پایه‌ای‌ترین اصول عدالت اقتصادی، سازوکار ایجاد یک بانک عدالت‌محور براساس موازین شریعت اسلامی را پیشنهاد دهد. آن‌طور که تشریح شد عدالت با حق یک رابطه مستقیم دارد و هرکجا حقی موجود نباشد عدالت هم موضوعیت نمی‌یابد؛ پس برای رعایت عدالت بایست هر حقی به صاحب آن داده شود. از آن‌جا که نظام بانکی با افراد مختلفی اعم کارکنان و مشتریان و سهامداران خود در ارتباط است باید به نحو قدم بردارد که حق هر فردی به درستی رعایت شود. البته رفتار و عملیات بانک‌ها صرفا متوجه افراد فوق نیست، بلکه با توجه به اثرگذاری اجتماعی و اقتصادی عملیات بانکی و وجود عنصری به نام پول، چه بسا افرادی از جامعه که جزو این دسته از افراد هم نیستند، متاثر از رفتارهای بانکی باشند؛ از این‌رو حقوق این دسته از افراد هم لازم‌الرعایه است. با نگاهی به مستندات اسلامی سه‌قاعده براساس اصل«رعایت حقوق» جهت شناسایی چارچوب کلی عدالت‌مداری عملکرد یک نهاد اقتصادی همچون بانک قابل استخراج است. رعایت حقوق عام به معنای رعایت حق استفاده و برخورداری از امکانات، منابع و ثروت‌های عمومی و همگانی که برای تمامی انسان‌ها برابر و یکسان است و کلیه افراد می‌توانند در جهت صحیح از این امکانات استفاده ببرند یکی از این قواعد است. قاعده دوم استحقاق نام دارد؛ براساس این قاعده هرکسی بیشتر و بهتر فعالیت نماید و استحقاق و لیاقت بیشتری از خود نشان دهد بایستی سهم بیشتری از ارزش افزوده ایجاد شده را به خود اختصاص دهد. قاعده سوم به نیاز و احتیاج اقشار ضعیف و ناتوان توجه دارد. پس از آن‌که افراد بنا بر تلاش و کوشش و فعالیت ذهنی و بدنی‌شان سهم و نصیبی از منابع را کسب کردند؛ عده‌ای باقی می‌مانند که به علتی غیر از تنبلی و تن‌پروری، نتوانستند خود را مستحق دریافت منابع از راه تلاش و کوشش نمایند. براساس این قاعده، نیاز این افراد باید مورد توجه قرار گرفته و در دسترسی آنان به منابع تسهیلاتی فراهم گردد. با توجه به قواعد سه‌گانه عدالت‌مداری که مورد معرفی قرار گرفت، می‌توان چارچوبی کلی برای بانک عدالت‌مدار شناسایی کرد. براساس این سه قاعده، چارچوب کلی بانک عدالت‌مدار در سه محور «رعایت حقوق عام و عدم تبعیض ناروا»، «رعایت استحقاق طرفین در عملیات بانکی» و «توجه به به نیاز و احتیاج اقشار ضعیف و ناتوان» قابل تعریف است که در خصوص کارکنان بانکی، مشتریان بانکی، سهامداران بانکی و آحاد افراد جامعه قابلیت مصداق‌یابی دارد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-09]

منابع

۱. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۷)، نظریات عدالت در اندیشه سیاسی ابن خلدون، مجلّه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

۲. اذر، عادل، مجتبی فرخ و حمید جانانی (۱۳۹۵)، بررسی رابطهٔ علّی عدالت سازمانی با رضایت مشتری از طریق نقش میانجی سرمایهٔ اجتماعی در بانک های تجاری، فصلنامه مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ۳، شماره۱.

۳. تفضلی، فریدون (۱۳۷۲)، تاریخ عقاید اقتصادی، تهران: نشر نی.

۴. توسلی، محمداسماعیل (۱۳۸۳)، محدودیت‌ها و مسئولیت‌های دولت اسلامی در پولی کردن کسر بودجه، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۴.

۵. توسلی، محمداسماعیل و وهاب قلیچ (۱۳۹۲)، مالیات تورمی در ترازوی عدالت، مقاله‌کاری شماره ۹۲۱۷، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.

۶. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸)، کار و ثروت در اسلام، تهران: انتشارات پیام آزادی.

۷. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰)، نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، امام خمینی(ره) و شهید صدر، تهران: پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی.

۸. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۱)، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها «سمت»، چاپ اول

۹. شریفی، قاسم و علی فلاح و داوود کیاکجوری (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین عدالت سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی در بانک ملی استان مازندران، کنفرانس بین‌المللی تحقیقات کاربردی در مدیریت، مهندسی صنایع، اقتصاد و حسابداری با رویکرد توسعه کسب و کار.

۱۰. صدر، سیدمحمد باقر، (۱۳۵۹)، بانک اسلامی، ترجمه خنجی، تهران: انتشارات الفتح.

۱۱. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۳)، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمد باقر موسوی همدانی، قم: نشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۲. طوسی، محمد نصیرالدین (۱۳۶۴)، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینویی و علیرضا حیدری، تهران: انتشارات خوارزمی.

۱۳. عبداللهی، محمود (۱۳۷۵)، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم

۱۴. عیوضلو، حسین (۱۳۸۴)، عدالت و کارائی در تطبیق با نظام اقتصادی اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-09]

۱۵. عیوضلو، حسین و مجیدکریمی‌ریزی(۱۳۸۴)، شناسایی و اندازه گیری شاخص عدالت و کارایی در نظام بانکی؛ مورد مطالعه: بانک توسعه صادرات ایران، استان اصفهان، دو فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره ۱(پیاپی ۱۵).
۱۶. عیوضلو، حسین و وهاب قلیچ (۱۳۹۳)، بانکداری اخلاقی با رویکرد اسلامی؛ ضوابط اخلاقی و تدابیر ساختاری، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
۱۷. فیض کاشانی، محسن (۱۰۹۱ق)، الصافی فی تفسیر کلام الله (تفسیر الصافی)، مشهد: دارالمرتضی للنشر، چاپ اول.
۱۸. کتابی، احمد (۱۳۷۱)، تورم، تهران: انتشارات اقبال، چاپ سوم.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۵۲)، عدل الهی، تهران، انتشارات صدرا.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹)، بیست گفتار، تهران: انتشارات صدرا، چاپ ششم.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۶ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۲۲. نظری، حسن‌آقا (۱۳۸۳)، عدالت اقتصادی از نظر افلاطون و ارسطو و اسلام، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال چهارم.
۲۳. نظری، حسن‌آقا (۱۳۸۳)، عدالت اقتصادی از نظر افلاطون، ارسطو و اسلام، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۴.
24. Ibn Taimiyyah (1963), MFS (Majm Fatawa Shaikh al-Islam), Riyad: Matabi, al- Riyad, , Vol. 29

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-09]